

تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی

سید رضا حسینی*

چکیده

این مقاله، رابطه علی بین مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران را در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۸۲ از دیدگاه تجربی مورد بررسی قرار می‌دهد. برنامه‌های تأمین اجتماعی از راه‌های گوناگون، مانند تأثیر بر انگیزه پس‌انداز، کار و بهره‌وری نیروی کار، بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. در مورد رابطه مخارج تأمین اجتماعی و پس‌انداز، به لحاظ نظری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که هر کدام از آنها به شواهد تجربی نیز استناد کرده‌اند. بررسی رابطه پس‌انداز و تأمین اجتماعی به لحاظ اهمیت پس‌انداز در تأمین منابع سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ضرورت دارد؛ اما در تحلیل نهایی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، چگونگی روابط میان مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی است. در این باره، به لحاظ نظری، سه دیدگاه متفاوت وجود دارد. پتر. اس. بارچ (۱۹۶۹) معتقد است که هر یک درصد افزایش در مخارج تأمین اجتماعی، به اندازه ۰/۷ درصد بر نرخ رشد اقتصادی می‌افزاید. برخی مانند مارتین فلد اشتاین (۱۹۸۵) با رد این دیدگاه معتقدند که هزینه‌های تأمین اجتماعی در تضاد با نرخ رشد اقتصادی کشورها عمل می‌کند. دیدگاه سوم، مانند ساموئلسون (۱۹۷۵) این تأثیرگذاری را به سطح موجودی سرمایه در مقایسه با سطح قاعده طلایی انباشت سرمایه و نوع سیستم تأمین اجتماعی حاکم، مشروط می‌داند. تحقیق حاضر برای تبیین این رابطه و تعیین جهت علیت، از مدل خود توضیح‌برداری (VAR) و آزمون علیت گرانجر استفاده می‌نماید. نتیجه تحقیق نشانگر آن است که رابطه علیت از مخارج تأمین اجتماعی به رشد اقتصادی برقرار است؛ اما عکس آن برقرار نیست و افزایش در مخارج تأمین اجتماعی به صورت معناداری درآمد ملی را افزایش خواهد داد.

واژه‌های کلیدی: تأمین اجتماعی، رشد اقتصادی، پس‌انداز، تکافل اجتماعی

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی، همواره از اهداف جوامع بشری بوده است. در دوران معاصر این موضوع، محور مطالعات و تحقیقات فراوانی بوده و پس از آنکه چندین دهه، توسط اقتصاددانان توسعه بررسی شده است، امروزه مسائل پایه‌ای و اصلی اقتصاد کلان را تشکیل می‌دهد. تأمین اجتماعی نیز با مبانی گوناگون و دلایل متعددی از ضرورت‌های انکارناپذیر جوامع معاصر به حساب می‌آید. آنچه این دو موضوع را به یکدیگر پیوند می‌دهد، رفاه و آسایش انسان است که در هر دو موضوع، توسعه و تأمین اجتماعی در جایگاه بالاترین هدف قرار گرفته است.

تردید وجود ندارد که هر گونه تحول و توسعه اقتصادی سطح تأمین نیازمندی‌های جامعه را به عنوان یک کل ارتقاء می‌دهد و از طرف دیگر، برنامه‌های تأمین اجتماعی نیز با تأمین سلامت، بهداشت و امنیت روانی افراد، قابلیت‌های انسان را به عنوان عامل توسعه اقتصادی افزایش می‌دهد؛ اما از آنجا که توسعه اقتصادی دارای عوامل متعددی است و بر اساس برخی دیدگاه‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مهم‌ترین عامل آن به شمار می‌رود و ممکن است میان هزینه‌های تأمین اجتماعی و کاهش سطح پس‌انداز رابطه مستقیمی وجود داشته باشد، این بحث مهم به وجود می‌آید که آیا در طراحی سیاست‌های اساسی اقتصادی همان گونه که در عصر سرمایه‌داری لیبرال گفته می‌شد، باید رشد و توسعه اقتصادی را بر تأمین اجتماعی مقدم داشت و یا آن گونه که در تعالیم اسلامی نیز مطرح شده است، باید تأمین اجتماعی را مقدم داشته و توسعه اقتصادی را از این مسیر دنبال نمود؟

از این منظر، بحث در خصوص رابطه مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند و مسئله علیت بین توسعه مخارج تأمین اجتماعی و رشد درآمد ملی و چگونگی این ارتباط در کانون این بحث قرار می‌گیرد. هدف این پژوهش، تبیین این مسئله با استفاده از داده‌های سری زمانی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۲ و تکنیک‌های اقتصادسنجی است.

این تحقیق دارای هفت بخش است. بعد از این مقدمه، به بررسی تطبیقی تأمین اجتماعی معاصر و تأمین اجتماعی در صدر اسلام خواهیم پرداخت. بخش سوم، به مباحث نظری و مطالعات تجربی موجود درباره رابطه پس‌انداز و تأمین اجتماعی، بخش

چهارم به مطالعات نظری و تجربی در مورد رابطه تأمین اجتماعی و بخش پنجم به متدلوژی تجربی و داده‌های آماری اختصاص یافته است. در بخش ششم و هفتم نتایج تجربی و خلاصه تحقیق ارائه شده است.

نظام‌های تأمین اجتماعی معاصر و تأمین اجتماعی در صدر اسلام

تأمین اجتماعی با وجود اهمیت و مزایایی که دارد، امروزه با مشکلات مهمی، از جمله بحران مالی رو به روست که آینده آن را مورد تهدید جدی قرار داده است. بدون تردید بررسی تطبیقی این نظام با نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام برای حل این مشکلات مفید خواهد بود. از این رو، در اینجا به طور اختصار به مقایسه این دو نظام خواهیم پرداخت. نهاد تأمین اجتماعی در جوامع امروزی نتیجه تحولات جامعه مدرن است که بر اساس مبانی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای شکل گرفته است.

تأمین اجتماعی، بر اساس تعریفی که در مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار تعریف شده است، عبارت است از: «حمایتی که جامعه در برابر پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۸؛ پناهی، ۱۳۷۸، ص ۶).

امروزه برنامه‌های تأمین اجتماعی سه راهبرد اصلی دارد:

الف. راهبردهای بیمه‌ای: این راهبردها مبتنی بر اشتغال افراد جامعه بوده و شامل بیمه‌های اجتماعی، صندوق‌های احتیاط و مسئولیت کارفرما می‌شود.

ب. راهبردهای حمایتی: این راهبردها بر اساس تابعیت یا اقامت شهروندان به صورت همگانی است و شامل مساعدت اجتماعی و خدمات اجتماعی می‌شود. این نظام عمدتاً به اعتبارات دولتی (بودجه عمومی) وابسته است و دایره وسعت آن در برگیرنده اقشار آسیب‌پذیر می‌شود.

ج. راهبردهای امدادی: راهبردهای امدادی، شامل کمک‌های دولتی، مردمی و گاه بین‌المللی در ارتباط با حوادث و بلایای طبیعی، مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی‌های وسیع و همچنین بلایای غیر طبیعی، همانند جنگ، انفجارهای شیمیایی و اسکان

پناهندگان می‌باشد. هزینه‌های این طرح از محل درآمدهای دولت، کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورها و کمک‌های بخش‌های عمومی و خصوصی تأمین می‌شود. (همان، ص ۱۹-۲۳).

تأمین مالی تأمین اجتماعی در جوامع امروزی به یکی از سه روش زیر صورت می‌گیرد (همان، ص ۶۱-۷۱).

۱. **نظام ارزیابی سالانه**^۱: در این نظام تعهدات جاری از محل درآمدهای جاری پرداخت می‌شود و اصل اساسی آن موازنه میان درآمدها و هزینه‌های سالانه است. از این رو، در این نظام صرفاً ذخیره اندکی با عنوان احتیاط ایجاد می‌شود.

۲. **نظام ذخیره‌گذاری کامل**^۲: این نظام، بیشتر در راهبردهای بیمه‌ای و به خصوص صندوق‌های احتیاط کاربرد دارد. در این نظام حق بیمه‌های دریافتی از فرد در حساب جداگانه‌ای برای او سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین مزایای دریافتی به میزان حق بیمه پرداخت شده و سود سرمایه‌گذاری مربوط به آن بستگی دارد.

۳. **نظام ذخیره‌گذاری جزئی**^۳: در واقع، این روش ترکیبی از دو روش کلی پیشین است. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که ۲۶ کشور جهان، دارای چنین نظامی بوده‌اند.

شیوه تأمین مالی سازمان تأمین اجتماعی ایران از این جهت که میزان مستمری دریافتی در آن ارتباط مستقیم با میزان حق بیمه‌های پرداختی فرد ندارد، شبیه نظام‌های ارزیابی سالانه است و از این نظر که حق بیمه پرداختی در آن همواره ثابت است و بر اساس ماده ۱ قانون تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخایر، جزئی از فلسفه وجودی سازمان را تشکیل می‌دهد، شبیه نظام‌های اندوخته‌گذاری کامل است. از این رو، می‌توان گفت که روش تأمین مالی این سازمان از نوع اندوخته‌گذاری جزئی است. (حسن زاده اصفهانی، ۱۳۷۸)

در ادبیات اسلامی، نزدیک‌ترین کلمه به تأمین اجتماعی، واژه «تکافل اجتماعی» است. دکتر محمد ابوزهره (۱۳۸۴) درباره‌ی تعریف تکافل اجتماعی در اسلام می‌گوید:
«منظور از تکافل اجتماعی در معنای لفظی این است که همه‌ی افراد در پی برآوردن

1. PAYG
2. Fully Funded
3. PARTIAL Funding

نیازها و انجام دادن کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با به گردن گرفتن کارهای جامعه خویش برای نیکی رسانیدن به آن بشتابد. هر نیرویی در اجتماع وجود دارد، نخست برای نگهداری سودمندی‌های یکایک افراد و از بین بردن زیان‌ها یک جا به کار افتد، سپس به پاسداری از ساختمان اجتماع، بر پایهٔ زیان‌زدایی و بنیان گذاشتن آن بر شالوده‌هایی راست و درست پردازد.

تکافل اجتماعی ایجاب می‌کند که نیاز نیازمندی که توانایی انجام کاری ندارند، برآورده شود، بیچارگان با چاره شوند، برای توانایان کار تهیه شود، نسل در حال رشد چنان پرورش داده شود که همهٔ آمادگی‌ها و نیروهای نهفتهٔ آنان آشکار شود، خردسالانی که تازه به زندگی روی آورده و پدر خود را از دست داده‌اند، سرپرستی شوند، جامعه وظیفه دارد که در زندگی کارگرانی که پس از مدت‌ها خدمت و بهره‌رسانی ناتوان شده‌اند، در برابر خدمت‌های خود به جامعه در روزگار نیرومندی، تسهیلاتی فراهم آورد» (حامد مقدم، ۱۳۶۸، ص ۳۶).

اندیشمندان مسلمان برنامه تأمین اجتماعی اسلام را به دو بخش تقسیم می‌کنند؛ یکی، تکافل اجتماعی که بیانگر وظیفه افراد است و دیگری، حق مردم در درآمدهای عمومی دولت. هر کدام از این دو بخش دارای حدود، ضوابط، منابع و شرایط ویژه‌ای است. شهید سید محمد باقر صدر (۱۴۰۸، ص ۶۹۷-۷۰۰)، این دو بخش را به تفکیک تبیین نموده است.

موضوع تکافل اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از آغاز دعوت اسلامی در مکه در برنامه‌های اجتماعی اسلام و تعالیم قرآن کریم مطرح شد. مفاهیم انفاق، صدقه، زکات، خمس، وقف، وصیت، بیت المال و غیره در قرآن و روایات ناظر بر همین موضوع است. برای درک اهمیت این نهاد در جامعه نوپای اسلامی کافی است که بدانیم در طول تمامی سال‌های قبل از هجرت و سال‌های آغازین پس از هجرت تا زمان تشریح، نهادهای قانونی، مانند خمس، زکات و مشارکت داوطلبانه مردم، مهم‌ترین منبع تأمین هزینه‌های عمومی بوده است. به خاطر رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) تعداد زیادی از اصحاب، چیزی را برای فقیران وقف کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین اقدام‌های پیامبر (ص) در این زمینه، ایجاد پیوند برادری میان مهاجران و انصار، در آغاز استقرار دولت اسلامی در مدینه است (صدر، ۱۳۸۷، ص ۶۴-۶۵).

گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که نفوذ این سنت الهی، جامعه صدر اسلام را از جهت تأمین زندگی فقیران، به یک جامعه آرمانی نزدیک کرده بود. بر اساس روایت ابوعبید، معاذ بن جبل که در زمان عمر مأموریت جمع‌آوری صدقات یمن را به عهده داشت، برای مصرف صدقات در آن منطقه به اندازه کافی فقیر پیدا نکرد و برای سه سال پیاپی بخشی از صدقات جمع‌آوری شده را به مدینه فرستاد (ابوعبید، ۱۳۸۸ق، ص ۹۴). در زمان امام علی(ع) تأمین اجتماعی به حدی رسید که به گواهی آن حضرت «کسی در کوفه نماند، مگر آنکه از امکانات رفاهی برخوردار شد، به گونه‌ای که ضعیف‌ترین آنها از نان گندم، آب آشامیدنی و منزل مناسب بهره‌مند گردید» (ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۸).

دکتر سید کاظم صدر (۱۳۷۸، ص ۱۳۴) پس از تشریح اقدامات بیت المال در مورد تأمین رفاه اجتماعی در صدر اسلام می‌نویسد: «شرح فوق نشان می‌دهد که حد نصاب درآمد برای همه مسلمانان و حتی غیر مسلمانان در صدر اسلام تأمین می‌شد. این سطح درآمد، ابتدا از طریق فراهم آوردن امکانات تولید و اشتغال مهیا می‌شد و در صورت عدم امکان از وجوه خمس، زکات و خراج تأمین می‌شد».

یکی از نکات مهمی که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید فراوان قرار گرفته، رابطه مثبت میان برنامه‌های تأمین اجتماعی اسلام و رشد اقتصادی است. به طور نمونه، حضرت فاطمه(ع) می‌فرماید: «الزَّكَاةُ تَزْكِيهِ لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ؛ زکات باعث پاکیزگی نفس و رشد روزی است» (ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۴۳۹). امام کاظم(ع) می‌فرماید: «انَّ اللهَ وَضَعَ الزَّكَاةَ قَوْلًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِمَوَالِكُمْ؛ خداوند زکات را برای تأمین غذای فقیران و فزونی اموال شما قرار داد» (همان).^۱

دکتر صدر (۱۳۷۶) ضمن تبیین برنامه‌های صدر اسلام برای توسعه سرمایه انسانی (از جمله تأمین اجتماعی) نقش این برنامه‌ها در توسعه اقتصادی صدر اسلام را چنین بیان می‌کند: «در آغاز هجرت، وضعیت مهاجران چنان سخت و دشوار بود که منزلی جز سکوه‌های کنار مسجد پیامبر نداشتند؛ اما پس از تقریباً هشت سال از این تاریخ و پس از فتح مکه و پیروزی کامل بر کفار قریش، همه دارای مسکن، درآمد و رفاه کافی

۱. برای ملاحظه آیات و روایات بیشتر در این زمینه، ر.ک. ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۴۴۱ - ۴۲۵.

شدند، تجارت رونق دوباره‌ای یافت، کشاورزی در عین نامساعد بودن شرایط اقلیمی گسترش پیدا کرد، فنون جدید از ایران و روم وارد شد و بالاخره با وجود سرعت بسیار زیاد افزایش جمعیت مسلمانان به خاطر پذیرش دین اسلام، درآمد ملی ایشان نیز به شکل چشم‌گیری بالا رفت و در عین حال، با توزیع بدیعی همراه بود.

از بررسی ویژگی‌های تأمین اجتماعی معاصر و صدر اسلام به طور خلاصه می‌توان گفت که این دو نظام به یکدیگر بسیار شبیه هستند، از جمله اینکه هدف هر دو نظام کاهش دغدغه‌های زندگی، به خصوص برای اقشار فقیر و کم درآمد جامعه است و در برخی راهبردها، مانند راهبرد امدادی و حمایتی نیز مشترک هستند؛ اما با این حال، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. **اختلاف در مبانی اعتقادی و اخلاقی:** تأمین اجتماعی معاصر برخاسته از ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غربی است. در مبانی اعتقادی جوامع سرمایه‌داری که بر اساس اصولی، چون فردگرایی، فایده‌گرایی و نگرش خاص به مال و ثروت، انسان و جامعه است، برنامه‌های تأمین اجتماعی توجیه منطقی ندارد؛ اما در تفکر اسلامی، تأمین اجتماعی از مبانی عمیق اعتقادی نسبت به اصالت اجتماع، عدالت اجتماعی، برادری و هم‌بستگی جامعه اسلامی نگرش به مال و ثروت به عنوان ودیعه الهی ریشه گرفته و امری اصیل به شمار می‌رود.
۲. **اختلاف در منابع مالی:** تأمین اجتماعی معاصر، عمدتاً بر درآمدهای ناشی از مشارکت خود افراد در زمان اشتغال آنها تکیه دارد و به دلیل مبانی خاص اعتقادی، درآمدهای ناشی از خیریه، جایگاه قابل توجهی در درون سیستم ندارد. همچنین منابع درآمدی دولت نیز عمدتاً بر مالیات متکی است؛ اما در تأمین اجتماعی اسلامی، چنانکه در صدر اسلام تجربه شده، مشارکت‌های خیرخواهانه همه مردم در تأمین نیازهای اجتماعی، به ویژه وقف، جایگاه بسیار مهمی در تأمین منابع تأمین اجتماعی دارد. درآمد دولت نیز علاوه بر مالیات، شامل درآمدهای زیاد انفال می‌شود.
۳. **اختلاف در مبانی حقوقی:** حقوق مالکیت به خصوص در مواردی، مانند ارث، سهم بردن عوامل تولید، توزیع امکانات و فرصت‌ها و توزیع مجدد ثروت و درآمد، در این دو نظام متفاوت است.
۴. **اختلاف در راهبردها:** در حالی که تأمین اجتماعی معاصر عمدتاً متکی بر

راهبردهای بیمه‌ای است، چنانکه ملاحظه شد، در صدر اسلام، چنین راهبردی وجود نداشت (هر چند که به اعتقاد برخی، وجود دیه عاقله و ضمان جریره، بی‌شباهت به بیمه‌های امروزی نبوده است) و امروزه نیز گرچه در فقه شیعه، بیمه‌های تجاری مورد پذیرش قرار گرفته، ولی اهل سنت، عقد بیمه را (به دلیل ترکیب آن با قمار، ربا و اکل مال به باطل) باطل می‌دانند و متأسفانه بیمه‌های اجتماعی نیز خیلی در فقه مورد بحث قرار نگرفته است.

مطالعات نظری و کاربردی در زمینه رابطه تأمین اجتماعی و پس‌انداز

در این بخش به این مسئله خواهیم پرداخت که آیا حقیقتاً تأمین اجتماعی پس‌انداز را کاهش می‌دهد؟

از آنجا که پس‌انداز، نتیجه رفتار و تصمیمات افراد است و رفتارها نیز در شرایط و انگیزه‌های گوناگون تفاوت می‌کنند، بررسی دقیق رابطه پس‌انداز و تأمین اجتماعی نیازمند تعیین نوع سیستم تأمین اجتماعی و نظام انگیزشی حاکم بر رفتار افراد است. در نظام اندوخته‌گذاری کامل، حق بیمه‌های افراد در زمان اشتغال به کار، سرمایه‌گذاری می‌شود و در دوره بازنشستگی به همراه سود به آنها پرداخت می‌شود. در نظام موازنه درآمد - هزینه حق بیمه‌های دریافتی از نسل در حال اشتغال به بازنشستگان پرداخت می‌شود؛ اما به دلیل رشد جمعیت و زیادتر بودن جمعیت در حال اشتغال نسبت به نسل بازنشسته، حق بیمه دریافتی کوچک‌تر از مقدار مستمری پرداختی است.

$$b_t = (1+n)d_t$$

بلانچارد و فیشر (۱۹۸۷) می‌گویند: نظام تأمین اجتماعی از نوع خود مشارکتی کامل هیچ اثری بر کل پس‌اندازها و انباشت سرمایه ندارد، به این معنا که افزایش پس‌انداز تأمین اجتماعی d_t ، دقیقاً با کاهش پس‌انداز خصوصی به گونه‌ای خنثی می‌شود که کل $d_t + s_t$ ، با میزان قبلی s_t برابر شود. علت امر روشن است؛ در نظام تأمین اجتماعی نرخ بازدهی در نظر گرفته شده است که با نرخ بازده پس‌انداز خصوصی برابر است؛ بنابراین، درست مثل این است که نظام تأمین اجتماعی بخشی از پس‌انداز هر فرد را برداشته و خود، همان مبلغ را سرمایه‌گذاری کرده است. بدیهی است که مصرف‌کننده در مورد اینکه چه کسی پس‌انداز را تحقق می‌بخشد، بی‌تفاوت بوده و فقط به نرخ بازده

توجه دارد، به این معنا که مصرف‌کنندگان از طریق پس‌اندازهای خصوصی، همه پس‌اندازهایی را که نظام تأمین اجتماعی از طرف آنها انجام داده است، خشتی می‌نمایند (بلانچارد و فیشر، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

ساموئلسن (۱۹۷۵) نیز تحلیلی مشابه بلانچارد و فیشر دارد؛ اما او معتقد است به دلیل اینکه یکی از دلایل مهم تأسیس تأمین اجتماعی کوتاه‌بینی افراد در فراهم نمودن سرمایه لازم برای دوران پیری خودشان است. وجود یک برنامه تأمین اجتماعی از نوع خودمشارکتی کامل می‌تواند به واسطه تشکیل سرمایه واقعی‌اش به مقدار زیادی بر رفاه شهروندان بیفزاید.

بلانچارد و فیشر، اثر نظام تأمین اجتماعی موازنه درآمد-هزینه بر پس‌انداز را منفی می‌دانند؛ زیرا در این حالت، نظام تأمین اجتماعی برنامه پرداخت‌های انتقالی خالص بوده که به هیچ وجه پس‌انداز نمی‌کند و تنها منبع سرمایه اقتصاد، پس‌انداز خصوصی است. در عین حال، آنها می‌گویند: مستقل از سایر دلایل‌های توجیهی که برقراری نظام تأمین اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهد، آیا نتیجه بیان شده، مطلوب است؟ با استفاده از معیار بهینه پارتو، پاسخ این سؤال بستگی دارد به اینکه نرخ بهره، قبل از برقراری نظام تأمین اجتماعی، کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از نرخ رشد جمعیت باشد. اگر نرخ بهره، کوچک‌تر باشد، بدون تردید برقراری نظام تأمین اجتماعی از طریق کاهش و یا احتمالاً برطرف کردن ناکارایی، باعث بهبود رفاه می‌شود (همان، ص ۱۱۵).

مارتین فلد اشتاین و آنتونی پل چيو (۱۹۷۹) با انجام یک تحقیق تجربی روی داده‌های اقتصادی آمریکا به این نتیجه رسیدند که تأمین اجتماعی به گونه مؤثری باعث کاهش انباشت سرمایه بخش خصوصی می‌شود.

ادوارد ت. گالاسون و همکارانش (۱۹۹۳) با انجام یک پژوهش تکمیلی روی تحقیق فلد اشتاین و چيو، پدیده برابری ریکاردویی را درباره روابط میان افزایش تأمین اجتماعی و انباشت سرمایه بخش خصوصی به آزمون گذاشتند. تحقیق آنها نشانگر آن است که اگر سرمایه مربوط به طرح‌های بازنشستگی به صورت کامل اندوخته‌گذاری شود، با فرض ثبات سایر شرایط، این پدیده به وقوع خواهد پیوست. در غیر این صورت، تأمین اجتماعی انباشت سرمایه خصوصی را به صورت معکوس متأثر خواهد کرد؛ اما نه به آن اندازه‌ای که دیگران گفته‌اند.

مارتین فلد اشتاین (۱۹۷۴) ادعا می‌کند که تأمین اجتماعی ممکن است باعث کاهش ۶۰ درصدی پس‌اندازهای خصوصی در ایالات متحده شود. انتقادات قابل توجهی نسبت به نتایج فلد اشتاین وارد شده است. دنزیگر و همکارانش (۱۹۸۱) در مقاله «چگونه انتقال درآمد بر کار، پس‌انداز و توزیع درآمد اثر می‌گذارد»، معتقدند که برنامه‌های در برگیرنده انتقال درآمد (از جمله تأمین اجتماعی) پس‌اندازهای خصوصی سالانه را بین ۰ تا ۲۰ درصد نسبت به وضعیت بدون این برنامه‌ها با رکود مواجه کرده است که تخمین پایین‌تر از این حد، امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. رابرت بارو (۱۹۷۸) دیدگاه شدیدتری داشته و در زمینه‌های نظری ادعا کرده است که برنامه‌های تأمین اجتماعی بر پس‌اندازها تأثیر نخواهد داشت؛ زیرا والدین به سادگی در پاسخ به تأمین اجتماعی، میراثی را که برای فرزندان خود به جا می‌گذارند، تعدیل می‌کنند (با فراهم کردن میراث بیشتر در پاسخ به کسری‌های بیشتر). او همچنین تلاش کرده است که برای این موضوع پشتوانه تجربی نیز فراهم کند.

جوزف استیگلیتز (۲۰۰۱) در یک جمع‌بندی درباره تأثیر تأمین اجتماعی با نظام موازنه درآمد - هزینه بر پس‌اندازها ضمن اینکه نسبت به تأثیرات منفی این نظام بر پس‌اندازها ابراز نگرانی می‌کند؛ در عین حال می‌گوید که این نظام به افراد اجازه می‌دهد تا زود بازنشسته شوند و هنگامی که افراد به فکر بازنشستگی زودتر از وقت هستند، تصور می‌کنند به بیشتر از مقداری که تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند، نیاز خواهند داشت و این دیدگاه با رشد آشکار برنامه‌های مستمری بازنشستگی خصوصی که بعد از آغاز تأمین اجتماعی اتفاق افتاد و بیش از ۶۰ درصد پس‌اندازهای شخصی ایالات متحده را شامل می‌شود، سازگار است. در یک اقتصاد باز (که در آن کشور می‌تواند از خارج وام بگیرد)، ضرورتی ندارد که کاهش پس‌اندازها مستقیماً به کاهش سرمایه‌گذاری و سپس به کاهش بهره‌وری تعبیر شود.

تحلیلی که تاکنون داشتیم، درباره نظام‌های تأمین اجتماعی دولتی بود. نوع دیگری از طرح‌های بیمه مستمری بازنشستگی و پوشش‌های بیمه‌ای (درمانی، عمر، حوادث و غیره) توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود. این نوع بیمه‌ها به طور روز افزونی در حال افزایش است، به ویژه از این جهت که بسیاری از طرح‌های اصلاح نظام‌های تأمین اجتماعی بر خصوصی‌سازی تأکید دارند. در حالی که در سال ۱۹۵۰ در آمریکا فقط ۲۵

درصد کارگران بخش غیر کشاورزی زیر پوشش مستمری خصوصی بودند و در سال ۱۹۷۹، ۵۵ درصد زیر پوشش قرار گرفتند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، پوشش مستمری خصوصی، هم‌زمان با کاهش تعداد مشاغل تولیدی و رشد پایین بخش خدمات به ۵۰ درصد کاهش یافت و در همان سطح باقی ماند. برخی کشورها، مانند شیلی، سیستم تأمین اجتماعی خود را به طور کامل خصوصی کرده‌اند. گفته می‌شود که خصوصی‌سازی، پس‌اندازها را افزایش خواهد داد و تجربه شیلی که در آن پس‌اندازها به بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کرده، این دیدگاه را تأیید می‌کند. اریک. ام. ان جن و ویلیام. جی. گال در تحقیق گسترده خود تأثیر طرح‌های اصلاح تأمین اجتماعی بر پس‌انداز خصوصی را مورد تردید قرار داده‌اند.

آنچه که مسئله تصمیم‌گیری بیمه، پس‌انداز و مصرف را به همدیگر پیوند می‌دهد، عامل مشترک ریسک است. بیمه، نهادی است که در پاسخ به عدم اطمینان‌ها و خطرات ناشی از حوادث (بیکاری، از کار افتادگی، بیماری، فوت و غیره) به وجود آمده است، در حالی که پس‌انداز احتیاطی نیز یکی از روش‌های مقابله این گونه خطرات است و در واقع، مسئله مصرف و پس‌انداز نیز ماهیت مشترکی دارند.

در مورد چگونگی ارتباط بیمه با مصرف و پس‌انداز تحقیقات زیادی صورت گرفته است. دوهرتی و شلسینگر (۱۹۸۳)، مایرز و اسمیت (۱۹۸۳) و دیون و اپکهود (۱۹۸۴)، مصرف و پس‌انداز را در ارتباط با بیمه مورد مطالعه قرار داده‌اند. اریک بریس (۱۹۸۶) نیز در این باره، شرایط استقلال تصمیم مصرف (پس‌انداز) و بیمه را بررسی کرده است. سامرویل (۲۰۰۴)، موضوع بیمه، مصرف و پس‌انداز را در یک مدل پویا و دوره زمانی پیوسته مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نشان می‌دهد که چنانچه حق بیمه منصفانه و برابر با احتمال بروز حادثه زیان‌بار باشد، تصمیمات بیمه و پس‌انداز مستقل از یکدیگرند، ولی با وجود حق بیمه‌های اضافی، مصرف بهینه به صورت پویا با نرخ رشد احتمال زیان مرتبط است و افزایش احتمال زیان، باعث پس‌انداز احتیاطی می‌شود و از طرف دیگر، این نوع نرخ بیمه‌ها سبب کاهش تقاضای بیمه به سطحی کمتر از بیمه کامل نیز خواهد شد.

در مقایسه سه نوع سیستم بیمه‌ای، یعنی بیمه‌های خصوصی، بیمه دولتی با اندوخته‌گذاری کامل و بیمه دولتی با موازنه درآمد-هزینه سالیانه، رایج‌ترین آنها،

سیستم موازنه درآمد- هزینه است و به دلیل تردیدهایی که در این نوع نظام بیمه‌ای نسبت به کاهش پس‌اندازها وجود دارد، می‌توان آن را دارای بدترین وضعیت نسبت به دو سیستم دیگر معرفی کرد و به همین دلیل نیز این سیستم روز به روز تضعیف شده و در معرض فروپاشی قرار گرفته است. برخی طرح‌های اصلاحی بر خصوصی‌سازی بیمه تأکید دارند، ولی به دلیل مسئله انتخاب معکوس و ملاحظات اخلاقی و کوتاه‌بینی افراد در تأمین آینده خویش، بیمه‌های خصوصی جایگاه قابل توجهی پیدا نکرده است.

اما به نظر می‌رسد که سیستم تأمین اجتماعی دولتی با اندوخته‌گذاری کامل، علاوه بر اینکه اهداف بیمه را کاملاً تأمین می‌کند، هیچ منافاتی با پس‌انداز نداشته و بلکه احتمالاً آن را تقویت نیز خواهد کرد و به همین دلیل، رویکردهای واقع‌بینانه در طرح‌های اصلاحی به جایگزینی این سیستم به جای سیستم‌های موجود تأکید کرده‌اند.

مسئله‌ای که در این میان، دارای اهمیت زیادی است و متأسفانه به دلیل تأکید بیش از حد جوامع سرمایه‌داری بر منافع شخصی، کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است، نقش انگیزه‌های نوع دوستی و ارث در حل مشکل تأمین اجتماعی و پس‌انداز است. در واقع، تأمین اجتماعی از آنجا که دغدغه خاطر فرد نسبت به مخارج دوران پیری و بروز حادثه را از میان برمی‌دارد، ممکن است که انگیزه پس‌انداز برای چنین روزهایی را سست کند. اما چنانکه انگیزه نوع دوستی، به خصوص محبت به فرزندان، پدر و مادر را در نظر بگیریم، این انگیزه به فرض وجود تأمین اجتماعی هم می‌تواند باعث پس‌انداز شود و علاوه بر این، ممکن است که گفته شود با وجود نظام تأمین اجتماعی افراد با آرامش خاطر بیشتری می‌توانند نسبت به رفتارهای نوع دوستانه اقدام نمایند. از طرف دیگر، رفتارهای نوع دوستانه در صورت سازماندهی مناسب می‌تواند بخش مهمی از کار تأمین اجتماعی را از عهده دولت بردارد؛ به بیان دیگر، پرورش احساسات خیرخواهانه و نهادینه کردن آن در رفتارهای فردی، از یک طرف مشکل کاهش سطح پس‌اندازها را حل می‌کند و از طرف دیگر، بار مالی تأمین اجتماعی را کاهش می‌دهد. از این رو، در تحقیقات اندیشمندان مسلمان بر نقش مشارکت‌های مردمی در نظام تأمین اجتماعی بسیار تأکید شده است.^۱

۱. ر. ک. ناصح علوان، ۱۴۰۹ق؛ حامد مقدم، ۱۳۶۸؛ ابوزهرة، ۱۳۴۸؛ عبدالعال، ۱۴۱۸ق؛ زاهدی اصل، ۱۳۷۰.

مطالعات نظری و کاربردی در زمینه رابطه تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی

در بخش قبلی بیان شد که برنامه‌های تأمین اجتماعی از نوع اندوخته‌گذاری کامل، تأثیر منفی بر پس‌انداز ندارد؛ اما سیستم‌های تأمینی از نوع موازنه درآمد-هزینه بر اساس باور بیشتر اقتصاددانان، سالیانه تأثیر منفی بر سطح پس‌انداز دارد (هر چند که این کاهش پس‌انداز در شرایطی که سطح پس‌انداز فعلی بالاتر از سطح قاعده‌طلایی باشد، بر رفاه اقتصادی همه نسل‌ها می‌افزاید). حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با در نظر گرفتن اثرهای متقابل پس‌انداز و تأمین اجتماعی، مخارج تأمین اجتماعی چگونه رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

در این زمینه، مطالعات تجربی و نظری متعددی صورت گرفته است که نتایج برخی از آنها به زیان برنامه‌های تأمین اجتماعی فعلی است، به گونه‌ای که باعث ضعیف یا تعطیل شدن و یا اصلاحات ساختاری یا شکلی در سیستم‌های تأمین اجتماعی می‌شود. در این باره می‌توان به مطالعه مارتین فلد اشتاین (۱۹۸۵) با عنوان «سطح بهینه مزایای تأمین اجتماعی» و مطالعه تجربی پروفیسور والتر گالن سون (۱۹۶۸) اشاره نمود. گالن سون، اطلاعات مقطع زمانی ۴۰ کشور را به روش اقتصادسنجی تجزیه و تحلیل کرده است. او متغیر نرخ رشد اقتصادی در یک دوره ۱۰ ساله را به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای رشد محصول نیروی کار، تشکیل سرمایه ناخالص داخلی و هر کدام از شش متغیر تأمین اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته است. او نتیجه گرفته است که هزینه‌های تأمین اجتماعی در تضاد با نرخ رشد اقتصادی کشورها عمل می‌کند.

بارچ (۱۹۶۹)، معتقد است که تحقیق گالن سون در تعریف مسئله، تصریح مدل و تفسیر رگرسیون دارای اشکالاتی است که اگر برطرف شود، بر خلاف نتیجه‌گیری او، باید گفت که هر یک درصد افزایش در مخارج تأمین اجتماعی، به اندازه ۰/۷ از یک درصد بر نرخ رشد اقتصادی خواهد افزود.

دیدگاه دیگر در این زمینه بر رابطه مثبت تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی تأکید می‌کند. مخارج تأمین اجتماعی از این نظر که سطح تغذیه، بهداشت، سلامت اخلاقی و روانی نیروی کار را بهبود می‌بخشد، می‌تواند در رشد سریع‌تر اقتصادی سهیم شود. مقاله مشهور پروفیسور ساموئلسون (۱۹۷۵) نمونه جالبی از این دیدگاه است.

نمونه دیگری از مقالات طرفدار گسترش نظام تأمین اجتماعی، مقاله مشترک

گیانکارلو مارنیا و پاسکال اسکارناموزینو (۱۹۹۷) است. اگر در مدل رشد درون‌زا برنامه تأمین اجتماعی موازنه درآمد - هزینه به گونه مناسبی طراحی شود، با وجود آنکه در کوتاه‌مدت بر پس‌انداز و انباشت سرمایه تأثیر منفی خواهد داشت؛ ولی در بلندمدت نرخ پس‌انداز بیش از شرایط نبود تأمین اجتماعی خواهد بود، که باعث انباشت سرمایه بیشتر و رفاه بالاتر نسل‌های بعدی خواهد شد.

حسام نیکوپور و محسن ریاضی (۱۳۸۴) با برآورد اثر مخارج سرانه سازمان تأمین اجتماعی به همراه چهار متغیر دیگر (مخارج دولتی، نرخ تورم، اشتغال و سرمایه‌گذاری) بر درآمد سرانه به این نتیجه رسیده‌اند که در بلندمدت با افزایش ۱۰ درصدی مخارج سرانه سازمان، حدود ۰/۰۸ درصد درآمد سرانه افزایش می‌یابد و در کوتاه‌مدت با ۱۰ درصد افزایش مخارج سرانه سازمان، درآمد سرانه در حدود ۰/۲ درصد افزایش خواهد یافت.

آنچه در صفحات گذشته مورد بررسی قرار گرفت، صرفاً رابطه تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی از نظر پس‌انداز بود. اما تأمین اجتماعی دارای اهداف و ابعاد دیگری هم است که بررسی گسترده این ابعاد به مقاله دیگری واگذار می‌شود و به صورت اشاره به آنها می‌پردازیم.

نگاهی به پیشینه تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که در اندیشه متفکران نخستین سرمایه‌داری و اقتصاد بازار، جایگاهی برای وظیفه دولت در خصوص تأمین اجتماعی وجود نداشت و پس از آنکه حاکمیت اصول لیبرالیسم، بحران‌های عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به وجود آورد، طرح‌های تأمین اجتماعی برای اولین بار توسط بیسمارک در سال ۱۸۸۱ در آلمان و سپس در سایر کشورها و در سال ۱۹۲۵ در آمریکا توسط روزولت با برنامه new deal به وجود آمد.^۱

یکی از مهم‌ترین اهداف اولیه تأمین اجتماعی تعدیل توزیع درآمد بوده، که در این باره بسیار موفق عمل کرده است. استیگلیتز (۲۰۰۱) درباره این موفقیت می‌گوید: در حالی که در گذشته فقر در میان سالمندان به عنوان یک مشکل اجتماعی واقعی به نظر می‌آمد، امروزه نه تنها نرخ‌های فقر در میان سالمندان خیلی کمتر است، بلکه در

۱. ر.ک. طالب، ۱۳۶۸؛ پناهی، ۱۳۷۶.

جمعیت به عنوان یک کل نیز کمتر است. با توجه به اهمیت توزیع درآمد در اهداف توسعه پایدار اقتصادی نقش مثبت تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی نیز ثابت می‌شود. یکی از مبانی تأمین اجتماعی، اصل هم‌بستگی اجتماعی است که در مقابل اصول فردگرایی لیبرالی قرار دارد. وجود هم‌بستگی اجتماعی و پیوندهای عاطفی و اخلاقی میان افراد جامعه - که یکی از مهم‌ترین زیر ساخت‌های توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌روند - از آثار تأمین اجتماعی است.

تأمین اجتماعی با توجه به بهبود تغذیه، بهداشت، امنیت جسمی و روانی، آموزش و غیره، بر انباشت سرمایه انسانی و رشد بهره‌وری نیروی کار تأثیر مستقیمی دارد و امروزه سرمایه انسانی از عوامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود.

بنابراین، تأمین اجتماعی علاوه بر اینکه یک برنامه پس‌انداز اجباری است، ابعاد و آثار دیگری نیز دارد که با توجه به آنها هیچ تردیدی در ضرورت اجتماعی و نقش اساسی آن در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی باقی نمی‌ماند و به همین دلیل است که با وجود مخالفت‌های زیادی که نسبت به آن می‌شود، هنوز جایگاه اول خود را در برنامه‌های دولت در بیشتر کشورها حفظ کرده است. چنانکه در ایالات متحده در سال ۱۹۹۷، تأمین اجتماعی و هزینه‌های رفاه بیش از یک سوم بودجه دولت فدرال را شامل می‌شد.

آخرین نکته‌ای که باید به آن اشاره کنیم، این است که تأمین اجتماعی با وجود تمامی مزایایی که دارد، امروزه با مشکلات مهمی رو به روست که آینده آن را مورد تهدید جدی قرار داده است. برخورد واقع‌بینانه با این مشکلات، ضرورت تفکیک اصل نظریه تأمین اجتماعی را تأکید می‌کند، که بدون تردید از مهم‌ترین دستاوردهای فکری بشر است و باید مورد حمایت قرار گیرد و ساختارهای خاص آن اصلاح شود. یکی از نکاتی که در این بازنگری باید مورد توجه قرار گیرد، ماهیت اجتماعی مسئله است. غفلت از این نکته و تأکید یک جانبه بر راه‌حل‌های مبتنی بر فردگرایی و نفع شخصی، راهبردی برای این مسئله نخواهد بود.

متدلوژی تحقیق و داده‌های آماری

بر اساس مبانی نظری که در بخش قبلی گذشت، مخارج تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی با یکدیگر مرتبط هستند و با مفروض گرفتن اصل این مطلب، آنچه که باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، تبیین کیفیت و کمیت این ارتباط است. روش معمول

برای این گونه تحقیقات، استفاده از روش‌های اقتصادسنجی است. در این پژوهش، لگاریتم هزینه‌های مصرفی سازمان تأمین اجتماعی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (LSSE) به عنوان شاخصی برای توسعه تأمین اجتماعی و لگاریتم درآمد ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (LNI) برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است. داده‌های سری زمانی این دو متغیر از بانک اطلاعات دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی استفاده می‌شود، که بر اساس آمارهای بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و بودجه‌های سالانه دولت استخراج شده است.

در مدل‌های دو متغیر هنگامی که متغیر وابسته یک مدل، متغیر توضیحی مدل دیگری باشد، با معادلات هم‌زمان رو به رو هستیم. مسئله تحقیق ما هم با توجه به اینکه مخارج تأمین اجتماعی در معادله درآمد ملی نیز ظاهر می‌شود، از این گونه است. در مدل معادلات هم‌زمان به دلیل مشکل تشخیص متغیر برون‌زا از متغیر درون‌زا و مسئله تشخیص هم‌زمانی مدل‌ها، پیچیدگی کار فوق العاده است. مدل خودتوضیح‌برداری (VAR) روش آسان‌تری برای این گونه مسائل به دست می‌دهد. از این رو، ما از مدل VAR استفاده خواهیم کرد.

در مطالعات سری زمانی، اگر سری‌ها مانا نباشد، آزمون‌های آماری که اساس آنها بر پایه T و F و آزمون‌های مشابه است، مورد تردید قرار می‌گیرد و امکان بروز مشکل رگرسیون کاذب تقویت می‌شود. برای تشخیص این مشکل و برطرف کردن آن، از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF) استفاده خواهیم کرد. هر گاه متغیرها به صورت جداگانه و با برتری مرتبه اول مانا شده باشد، تخمین مدل باید بر اساس برتری متغیرها صورت پذیرد و در این صورت، تفسیر تئوریک ضرایب پیچیده خواهد شد؛ اما اگر بتوان ثابت کرد که ترکیب دو متغیر در طول زمان رابطه تعادلی بلندمدت با ثباتی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که برتری بین آنها با ثبات باشد، در این صورت می‌توان گفت که ترکیب آن دو متغیر در سطح، ماناست و آن دو سری را هم انباشته^۱ گویند و می‌توان از خود متغیرها در مدل استفاده کرد. برای تشخیص این مسئله از آزمون انگل-گرنجر استفاده خواهیم کرد. انجام آزمون دیگری که در این تحقیق لازم است، آزمون علیت گرانجر می‌باشد و به این منظور انجام می‌شود که جهت علیت بین متغیرهای مدل را روشن کند.

1. cointegrate

استخراج نتایج تجربی مدل

در این قسمت، نتایج آزمون‌ها و تحلیل روابط میان سری زمانی متغیرها ارائه می‌شود. نتایج آزمون ADF ریشه واحد نشانگر آن است که هر دو متغیر در سطح، نامانا هستند و با یک مرتبه تفاضل، مانا شده‌اند.

آزمون انگل - گرنجر برای تشخیص هم‌انباشته بودن دو سری بیانگر رد فرضیه عدم هم‌انباشته‌گی است؛ بنابراین، ترکیب دو متغیر LSSE و LNI هم‌انباشته است و می‌توان در تخمین مدل به جای برتری متغیرها از خود آنها استفاده کرد.

آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد که جهت علیت از طرف توسعه مخارج تأمین اجتماعی به طرف رشد اقتصادی برقرار است؛ اما علیت از سمت رشد اقتصادی به توسعه مخارج تأمین اجتماعی برقرار نیست.

اکنون با توجه به این آزمون‌ها، نتایج رگرسیون بر اساس مدل خودتوضیح‌برداری (VAR) را ارائه می‌کنیم. ارقام داخل پرانتز انحراف معیار و ارقام داخل کروشه، آماره T را نشان می‌دهد.

$$\begin{aligned} \text{LNI} = & 0.78 \text{ LNI}(-1) + 0.23 \text{ LSSE}(-1) + 1/41 & (1) \\ & (0.059) & (0.07) & (0.44) \\ & \underline{[13/0.8]} & [3/1.09] & [3/1.49] \\ & R^2 = 0.94 & F=373 \end{aligned}$$

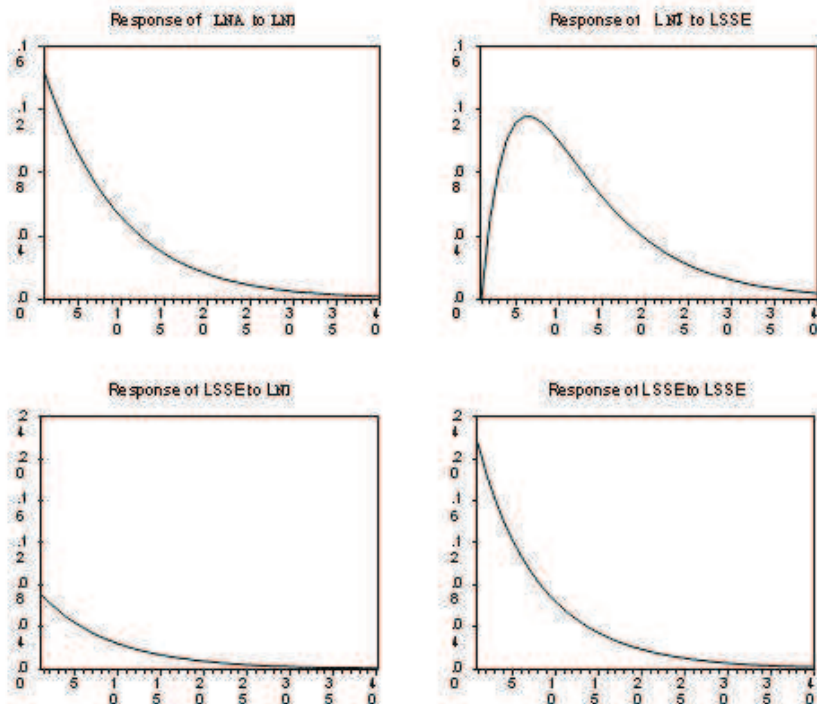
$$\begin{aligned} \text{LSSE} = & 0.0089 \text{ LNI}(-1) + 0.86 \text{ LSSE}(-1) + 0.64 & (2) \\ & (0.093) & (0.11) & (0.75) \\ & [0.09] & [7/42] & [0.92] \\ & R^2 = 80 & F=84 \end{aligned}$$

ملاحظه می‌شود که با توجه به آماره‌های T و F، ضرایب مدل (۱) کاملاً معنادار است، در حالی که مدل (۲) چنین نیست؛ بنابراین، اولاً مقایسه دو مدل نشان می‌دهد که جهت علیت از مخارج تأمین اجتماعی به طرف درآمد ملی است و ثانیاً با توجه به آماره‌های T و F و ضریب تعیین مدل (۱) می‌توان این مدل را برآورد قابل قبولی از

رابطه مخارج تأمین اجتماعی و درآمد ملی دانست. با توجه به اینکه در این مدل، متغیرها به صورت لگاریتمی در نظر گرفته شده، ضرایب مدل نشان‌دهنده کشش‌هاست. بر این اساس، با توجه به ضریب متغیر $(-1)LSSE$ می‌توان گفت که هر گاه مخارج تأمین اجتماعی در یک سال به اندازه یک درصد افزایش یابد، درآمد ملی در سال بعد به اندازه $0/23$ درصد افزایش خواهد یافت. نکته‌ای که در تفسیر این ضریب قابل توجه است، اینکه تأمین اجتماعی در ایران در مقایسه با کشورهای اروپایی هنوز در مراحل اولیه و رو به رشد خود قرار دارد؛ بنابراین، شاید این مقدار اثرگذاری آن بر درآمد ملی دور از انتظار نباشد. با این حال، با توجه به محدودیت‌های مدل‌های VAR درباره مقدار این ضریب باید با احتیاط بیشتری برخورد نمود. قضاوت دقیق در این مورد، نیازمند مقایسه آن با نتایج مدل‌هایی است که با استفاده از سایر عوامل مؤثر بر درآمد ملی و رشد اقتصادی برآورد شده باشد.

برای مشاهده چگونگی عکس‌العمل درآمد ملی نسبت به تغییرات پدید آمده در مخارج تأمین اجتماعی می‌توان توابع عکس‌العمل متغیرهای مدل را ترسیم نمود. همان گونه که نمودار زیر نشان می‌دهد، هر گاه مخارج تأمین اجتماعی به اندازه یک انحراف معیار افزایش یابد، درآمد ملی در طول زمان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که تا سال هفتم پس از این تغییر به صورت فزاینده و تا حد $0/12$ و پس از آن نیز تا سال‌های بعد به صورت مثبت، ولی کاهنده، افزایش می‌یابد.

Response to Cholesky One S.D. Innovations



این نتیجه‌گیری نشانگر آن است که با توجه به فرهنگ اسلامی کشورمان، برنامه‌های تأمین اجتماعی، نه تنها باعث کاهش سطح پس‌انداز و سپس کاهش درآمد ملی نمی‌شود، بلکه سبب افزایش آن نیز می‌شود و این امر نیز بدان جهت است که انگیزه پس‌انداز در فرهنگ اسلامی به تأمین نیازهای فردی در آینده محدود نیست، بلکه تشویق به نوع دوستی، محبت به فرزندان و ارث‌گذاری برای رفاه زندگی آنها، انگیزه‌های نیرومندی است که با وجود تضمین‌های نظام تأمین اجتماعی وجود خواهند داشت. از سوی دیگر، برنامه‌های تأمین اجتماعی به دلیل تأثیر مثبت بر سلامت جسمی، روانی و انباشت سرمایه انسانی، کارآیی و بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و بر درآمد ملی افزوده است. علاوه بر این، در نظام تأمین اجتماعی ایران، سرمایه‌گذاری مازاد درآمد، اهمیت زیادی دارد، به گونه‌ای که هم اکنون، شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، بزرگ‌ترین شرکت فعال در بازار بورس است و حجم زیادی از سرمایه‌گذاری‌های کشور توسط این شرکت انجام می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، تبیین چگونگی ارتباط میان توسعه مخارج تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی بود. با توجه به اهمیت موضوع و وجود اختلاف نظرهای فراوان در مطالعات نظری و کاربردی مربوط به این موضوع و نیز تأکید آموزه‌های اسلامی بر وجود رابطه مثبت میان تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی و وجود شواهد تجربی بر این رابطه در اقتصاد صدر اسلام، ابتدا به بررسی تطبیقی ویژگی‌های کلی تأمین اجتماعی معاصر و تأمین اجتماعی در صدر اسلام پرداختیم و ملاحظه شد که با وجود برخی اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز میان این دو وجود دارد.

در بخش بعدی، به بررسی رابطه تأمین اجتماعی و پس‌انداز پرداختیم. تأمین اجتماعی با سیستم اندوخته‌گذاری کامل بر پس‌انداز تأثیر منفی ندارد، بلکه آن را تقویت می‌کند؛ ولی دیدگاه رایج درباره سیستم بدون اندوخته‌گذاری (سیستم موازنه درآمد - هزینه سالانه) بر پس‌انداز تأثیر منفی دارد. به همین دلیل، طرح‌های اصلاحی، از جمله خصوصی‌سازی تأمین اجتماعی پیشنهاد شده است. در بخش بعدی، رابطه تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این خصوص،

دیدگاه‌های گوناگون مطرح شد. دیدگاه میانه، بر وجود نوعی تمایز میان سیستم‌های تأمین اجتماعی و شرایط خاص اقتصادی فرهنگی هر کشور تأکید نمود.

سپس با توضیح متدلوزی کار تجربی این تحقیق و توضیح داده‌های آماری، وارد بخش دیگری از تحقیق شدیم. در این قسمت برای تبیین رابطه تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی از متغیرهای سری زمانی لگاریتم مخارج تأمین اجتماعی و لگاریتم درآمد ملی در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۸۲ در چارچوب مدل اقتصادسنجی VAR استفاده کردیم. آزمون‌های دیکی-فولر تعمیم‌یافته برای تشخیص مانایی و نیز آزمون هم‌جمعی انگل-گرنجر میان متغیرها انجام شد. برای تشخیص جهت علیت از آزمون علیت گرانجر استفاده نمودیم و نتیجه گرفتیم که جهت علیت از مخارج تأمین اجتماعی به سمت درآمد ملی برقرار است. برآورد نهایی مدل و توابع عکس‌العمل تحریک نشان‌دهنده تأثیر مثبت افزایش مخارج تأمین اجتماعی در رشد درآمد ملی است.

در توجیه نظری این نتیجه‌گیری گفتیم که با توجه به نفوذ ارزش‌های اسلامی در رفتار مردم، مانند نوع دوستی، محبت به فرزندان، انگیزه ارث‌گذاری برای آنان و غیره، برنامه‌های تأمین اجتماعی باعث کاهش پس‌اندازهای بخش خصوصی و تأثیر منفی بر درآمد ملی نشده است و از طرف دیگر، این برنامه‌ها با تقویت زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی، به توسعه و تقویت سرمایه انسانی به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه بر رشد اقتصادی افزوده است. اکنون با ملاحظه این اثر و همچنین تأثیر انکارناپذیر تأمین اجتماعی بر بهبود توزیع درآمد و ثروت، تردیدی در نقش حیاتی تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی باقی نمی‌ماند.

نتیجه این تحقیق تأیید مضمون آن بخش از نصوص دینی است که برنامه‌هایی، چون زکات و سایر اقدامات تأمین اجتماعی را علت رشد اقتصادی معرفی می‌کند. همچنین این پژوهش، نظریه‌های هم‌سویی عدالت و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند. بر این اساس، در سیاست‌های کلان توسعه اقتصادی کشور باید تأمین اجتماعی بر رشد اقتصادی مقدم شود. این نتیجه‌گیری در مقابل نظریه‌هایی است که مرتبه تأمین اجتماعی را بعد از رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند.

منابع

- ابوزهره، محمد (۱۳۴۸)، همکاری‌های اجتماعی، ترجمه محمدی جعفری، انتشارات اسلامی.
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۳۸۸ق)، الاموال، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
- بلانچارد و فیشر (۱۳۷۶)، درس‌هایی در اقتصاد کلان، ترجمه دکتر محمود ختایی و تیمور محمدی، ج ۱، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- بیدرام، رسول (۱۳۸۱)، همگام با اقتصادسنجی، چاپ اول، منشور بهره‌وری.
- پناهی، بهرام (۱۳۷۶)، اصول و مبانی تأمین اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن زاده اصفهانی، مجید (۱۳۷۸)، روش‌های تأمین مالی در تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، ش ۲۹.
- ری شهری، محمد و سید رضا حسینی (۱۳۸۶)، التنمية الاقتصادية فی الكتاب و السنه، الطبعة الثانية، دارالحدیث.
- صدر، سید کاظم (۱۳۸۷)، اقتصاد صدر اسلام، چاپ دوم، دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۷۶)، تجربه مسلمانان صدر اسلام در دستیابی به توسعه اقتصادی، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۸ ق)، اقتصادنا، الطبعة الثانية، مجمع الشهداء العلمی و الثقافی.
- مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، (۱۳۷۸) نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (خلاصه گزارش).
- حامد مقدم، احمد (۱۳۶۸) پژوهشی در نظام حمایتی اسلام، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- علوان، عبدالله ناصح (۱۴۰۹ ق)، التكافل الاجتماعي، دارالسلام.
- عبدالعال، احمد عبدالعال (۱۴۱۸)، التكافل الاجتماعي فی الاسلام، الشركة العربیه للنشر.
- نیکوپور، حسام و محسن، ریاضی (۱۳۸۴)، «سازمان تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ششم، ش ۱۹.
- کاتب، مهدی (۱۳۶۸)، تأمین اجتماعی، آستان قدس.

Andrew, B & Abel, N (1985), "Gregory Mankive", *Review of Economic Studies*, 56, P.1-20.

Edward, T. Gullasson, Bhara, R. Kolluri, Michael j. Panik (1993), "social security and household wealth accumulation: Refined microeconomic evidence", *the review of economics and statistics*, 75.

Eric Briggs (1986), "Insurance and Consumption: The Continuous Time Case", *The journal of Risk and Insurance* , 53 p. 718 – 723.

Eric M. Engen & William G. Gale, *Effects of Social Security Reform on Private And National Saving*.

Feldstein martin (1985), "The Optimal Level Of Social Benefits", *Quarterly Journal Of Economics*, 100, p. 303-320.

Feldstein martin & Anthony pellechio (1979), "social security and household wealth accumulation: New microeconomic evidence", *this review*, 61, p. 367-368.

Feldstein martin, "Social Security, Induced Retirement, and Agregate Capital Accumulation". *Journal of Political Economy*, 82(5), p.905-926.

Galenson Walter (1968), "Social Security and Economic Development: A Quantitative Approach", *Industrial And Labor Relations Review*, 21, pp.559-569.

Joseph Stiglies Economic of Public Sector, chapter14, p. 353 – 384.

Marini Giancarlo & Pasquel Scaramozino (1997), *Intergenerational Transfers and Growth*.

Paul A. Samuelson (1975), "Optimum Social Security In A Life-Cycle Growth Model", *International Economic Review*.

Peter S. Batch (1969), *Industrial And Labor Relations Review*, 122, p. 257-259.

R. A. Samerville, *Insurance, Consumption, And Saving: A Dynamic Analysis in Continous Time*.

R. J. Baro, *The impact of Social Security on Private Savings*, Washington, DC: American Enterprise Institute For Public Policy Research .

Romer David (2005), *Advanced Macro Economics*, Gary Burke.